

زنان شاغل در خلاء قوانین زنانه

زنان در گذشته اغلب نقش مادر و همسر را به عهده داشتند و به انجام امور خانه می‌پرداختند اما اکنون در دو جبهه مهم یعنی جامعه و خانواده مشغول خدمت و انجام وظیفه‌اند. اشتغال زنان با پیشرفت جوامع، تغییر و تحول یافته و نیل به تعادل‌های اساسی جغرافیایی، افزایش مشارکت‌های آگاهانه سیاسی و اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور، ریشه‌کن کردن بی‌سوادگی و گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با افزایش میزان اشتغال زنان و مشارکت‌های اقتصادی آنان، رابطه تنگاتنگ و درهم‌تنیده دارد.

به گزارش سایت خبری پرسون، زنان باید در تصمیم‌گیری‌ها، به‌ویژه در امور مربوط به توزیع کار، منابع، درآمد و هزینه، مشارکت بیشتری پیدا کنند. چنین مشارکتی را باید هم از طریق سازمان‌هایی که خود زنان تشکیل می‌دهند و هم از راه عضویت آن‌ها در سازمان‌های دیگر تشویق کرد. اما این موضوع را هم باید در نظر گرفت، مردان از زمانی که وارد بازار کار می‌شوند معمولاً هنگام بازنشستگی به‌صورت پیوسته در بازار کار باقی می‌مانند و تحولات زندگی، این حضور پیوسته را مختل نمی‌کند در صورتی که زنان دارای مشارکت ناپیوسته و قطعه‌قطعه هستند و تحت تأثیر تغییرات زندگی مثل وضع تأهل، تعداد فرزندان و غیره، الگوی مشارکتشان تغییر می‌کند. زنانی که به‌عنوان زن شاغل در جامعه حضور دارند باید همزمان به ایفای نقش‌های مختلف بپردازند و معمولاً تمایز خاصی بین آن‌ها و زنان خانه‌دار در این زمینه وجود ندارد و جامعه از هر دو انتظارات یکسانی دارد.

بر اساس تقسیم‌کار جنسی در خانواده، مردان نان‌آور تلقی می‌شوند، درحالی‌که زنان باید عهده‌دار اداره‌ی درون خانه باشند. پی آمدهای عملی این فرضیه، همچنان گریبان‌گیر زنان متأهل است و چنان از بدیهیات عقلی به شمار می‌رود که به‌ندرت مورد تردید یا اعتراض قرار می‌گیرد.

با شروع انقلاب صنعتی، نقش‌های سنتی زنان تا حدودی دگرگون شد، به‌گونه‌ای که به‌جای کار صرفاً خانگی، بخش عمده‌ای از زندگی آن‌ها صرف فعالیت‌های بیرون از خانه گشت. اما این امر موجب جدایی زن از وظایف طبیعی خود نشد. امروزه، هنوز زنان می‌دانند که پس از سپری کردن آخرین ساعات کار، نقش‌های سنتی و خانه‌داری در انتظارشان است، نقش‌هایی چون کدبانوگری، فرزند داری، همسر داری، تیمارداری و ...

تضاد و تعارض نقش

پژوهش‌های متعدد در سراسر جهان نشان می‌دهد که زنان همواره در فعالیت‌های درون و بیرون منزل با تضاد و تعارض نقش روبه‌رو هستند. شناخت این تعارض‌ها برای کاهش مشکلات برآمده از آن، اهمیت پژوهش در موضوعاتی از این دست را نشان می‌دهد. یافته‌های تحقیق و پژوهش‌ها حکایت از آن دارد که زنان شاغل مشکلات خود را در رابطه با نگهداری و تربیت فرزندان، تهیه خوراک خانواده، برقراری نظم و نظافت منزل، کمبود وقت برای رفت‌وآمد با خویشاوندان، رسیدگی به‌ظاهر خود و داشتن وقت لازم برای تفریح، گفت‌وگو و تبادل نظر با همسر و ... زیاد ارزیابی کردند. از سویی، بیشترین میزان مشکلات زنان شاغل، نظافت و ایجاد نظم در منزل بود.

این پژوهش‌ها، همچنین نشان می‌دهد که این مشکلات، لزوماً نه به‌تنهایی برآمده از شغل زنان، بلکه از نگرش‌ها و تفکرات سنتی جامعه درباره نقش زنان است که آن‌ها را وادار می‌کند افزون بر نقش‌های اجتماعی، همزمان به الزامات و مسئولیت‌های نقش‌های خانگی نیز بیاورند. علاوه بر این، یافته‌ها بیانگر این مطلب‌اند که میزان مشکلات زنان با افزایش همکاری همسر در امور منزل، کاهش قابل‌ملاحظه خواهد داشت.

دکتر محمدرضا ایمانی، روانشناس اجتماعی و استاد دانشگاه در این باره معتقد است که ایجاد تعادل میان زندگی شخصی و شغلی «زنان شاغل متأهل» تنها به برنامه‌ریزی صحیح زنان مربوط نیست بلکه عوامل متعددی مانند زیرساخت‌های اجتماعی، نوع سیستم آموزشی، پرداخت حقوق و مزایا و بیمه یکسان میان زنان و مردان و فرهنگ‌سازی، از عوامل وابسته به این موضوع است.

قرار گرفتن در نوع «موقعیت‌ها»، مشکلات و چالش‌ها را برای افراد متفاوت می‌کند. زنان متأهل شاغل در کشور با مشکلاتی مواجه هستند که به دلیل عوامل متعددی آسیب‌های سخت و جبران‌ناپذیری را به آن‌ها وارد می‌کند.

ایمانی بخشی از عدم تعادل میان زندگی شغلی و شخصی زنان متأهل شاغل را به حقوق و مزایایی که امروز برای زنان قائلیم وابسته می‌داند. اگر معتقدیم که همزمان با کشورهای پیشرفته باید مؤثر باشیم باید قبول کنیم که زنان نیز سهم و نقش مؤثری در کسب درآمد و موقعیت‌های شغلی دارند، آیا قوانین حمایتی ما در این زمینه کفایت می‌کند؟ آیا مرخصی زایمان در مجموعه‌های دولتی که به زنان تعلق گرفته و یا محدودیت زمان کاری تا ساعت ۲ بعدازظهر جهت حمایت از فرزندان تا سن ۶ سالگی می‌تواند همه نیازها و مشکلات زنان را برطرف کند؟

آیا زنان از قوانین کسب‌وکار و حمایت بیمه‌ای به‌طور کامل و قانع‌کننده‌ای بهره‌مندند؟ آیا مردان نقش‌ها، وظایف و مسئولیت‌های خود را در زندگی مشترک پذیرفته‌اند؟ آیا فضای اجتماعی امروز جامعه احترام و حرمتی که برای مردان قائل شده را برای زنان هم در نظر دارد؟

این روانشناس معتقد است که قوانین کشور در راستای انتظارات جامعه بانوان نیست و این ناهمخوانی‌ها موجب خستگی، عدم تعادل میان زندگی شخصی و شغلی و در نهایت آسیب‌های روانی زنان شده است و جامعه و قوانین کاری، باید همان مزایایی که برای مردان در نظر دارد را به زنان نیز

اختصاص دهند.

بی‌تردید جامعه، قوانین و خانواده می‌توانند در تعادل میان زندگی شخصی و زندگی کاری زنان نقش مؤثری داشته باشند، زنان شاغل باید برای داشتن زندگی مطلوب به خود، زندگی، همسر، فرزند و شغل خود توجه کنند که اگر استراحت، آرامش و زندگی مطلوبی نداشته باشند به‌طورقطع نتیجه منفی آن در زندگی و روان آن‌ها مشاهده می‌شود.

فرهنگ، نوع سبک زندگی و خصوصیات بومی ایرانیان نسبت به سایر کشورها متفاوت است و نمی‌توان انتظار داشت که از زندگی‌های غربی تقلید کنیم. در خصوصیات جامعه ایرانی مشخصه‌هایی از تربیت بروز پیدا کرده که وظایف مردانه و زنانه در آن تقسیم‌بندی شده و در جامعه رواج یافته است.

آسیب‌های شغلی

زنان شاغل مادامی‌که مجرد هستند تنها به شغل و علاقه‌مندی‌های خود مشغول‌اند تا پیشرفت‌های بیشتری داشته باشند اما بعد از ازدواج وضعیت و فرصت‌هایشان کاملاً دگرگون می‌شود. آن‌ها باید به دلیل شرایط تأهل برنامه‌ریزی درستی داشته باشند. در زندگی متأهلی موضوعی که برای زنان ایجاد می‌شود بسیار فراگیرتر از مردان است، زنان شاغل ایرانی به دلیل مسئولیت‌ها و وظایف بیشتر، آسیب بیشتری تحمل می‌کنند.

آن‌ها از ابتدای روز هم‌پای مردان خارج از خانه کار می‌کنند و بعد از اتمام ساعت کاری هم‌زمان با مرد وارد خانه می‌شوند، اما به دلیل نوع دیدگاهی که به وظایف زنان وجود دارد مسئولیت‌های متعدد خانه را نیز برعهده‌دارند و این مسئله موجب شده زنان شاغل به‌مرورزمان آسیب‌پذیرتر و با مشکلاتی درگیر باشند؛ این درحالیست که مردان بعد از ازدواج به‌اصطلاح سروسامان می‌گیرند و با استقلالی که پیدا می‌کنند، کیفیت زندگی‌شان بهتر می‌شود و می‌توانند راحت‌تر مشکلات کاری خود را برطرف کنند و به‌تبع پشتیبانی بیشتری از سوی خانواده و اعضای کاری خوددارند.

محمدرضا ایمانی بابیان این‌که زنان متأهل شاغل در صورت نداشتن آرامش و برنامه‌های شخصی، احساس پوچی و خستگی می‌کنند می‌گوید: آن‌ها به‌مرورزمان به این نتیجه می‌رسند که خودشان در زندگی چه جایگاهی دارند؟ دغدغه و مشکلاتی که برای آن‌ها بروز می‌یابد باعث می‌شود از نظر روانی آسیب ببینند و در برهه زمانی تصمیم می‌گیرند میان شغل و زندگی شخصی یکی را انتخاب کنند. شغلی که برای رسیدن به آن زحمات زیادی کشیده‌اند و می‌تواند بر روی وضعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی آن‌ها بسیار مؤثر باشد.

بنابراین نوعی بریدگی میان موضوع شغلی و شخصی زنان شاغل را بر سر دوراهی قرار می‌دهد که اگر بخواهند مسیر شغلی خود را انتخاب کنند با بحرانی مانند طلاق مواجه می‌شوند و اگر بخواهند شغل خود را رها کنند از نظر روانی آسیب می‌بینند و در نهایت هر تصمیم غلطی می‌تواند منجر به سرخوردگی و پشیمانی شود و نمی‌توان انتظار داشت که آن‌ها برای زندگی شخصی خود موقعیت آینده و شغل خود را فدا کنند. در نقطه مقابل، زنانی هم که به دلیل مشغله کاری و فرار از انجام ندادن وظایف همسری، تن به ازدواج نمی‌دهند نیز آسیب‌های روحی و روانی زیادی را تحمل می‌کنند چراکه ازدواج موجب پیشرفت افراد می‌شود و از طرفی دیگر بخش زیادی از نیازهای روانی انسان‌ها را تأمین می‌کند و نباید برای حل کردن مشکل صورت مسئله را پاک کرد.

محمدرضا ایمانی به مسئله فرهنگ‌سازی و لزوم حضور زنان در عرصه‌های مختلف جامعه اشاره کرده و تأکید می‌کند: علاوه بر مشکلات حمایتی و عدم ارائه مزایای مناسب به زنان، آن‌ها به دلیل فقر آموزشی برای حفاظت از خود و موقعیت شغلی به‌مرورزمان خصیصه‌ها و رفتارهای مردانه از خود بروز می‌دهند و به‌مرور خصلت‌هایشان مردانه می‌شود.

این روانشناس بابیان این‌که زنان سهم بزرگی از جمعیت کشور و دانشگاهیان را به خود اختصاص داده‌اند می‌افزاید: زنان کشور در چند سال گذشته به مشاغل سختی ورود کرده‌اند و توانستند هم‌پای مردان و در برهه‌ای فراتر از مردان فعال باشند لذا توانایی، قدرت اندیشه، خصوصیات روحی و روانی آن‌ها نشان می‌دهد که زنان از توانایی‌ها و قابلیت‌های بالایی برخوردارند و باید برای آن‌ها همانند مردان حقوق و شرایط یکسانی در نظر گرفت تا آن‌ها بتوانند آرامش را همانند مردان در زندگی خود احساس کنند.

زنان شاغل باید بین نقش‌های مختلف، هماهنگی به‌وجود بیاورند

در همین حال، ابوطالب سعادت‌ی شامیر، روانشناس و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، معتقد است: هر فردی که وارد زندگی متأهلی می‌شود، ملزم به پذیرش یکسری نقش‌هاست اول نقش همسری و دوم نقش مادری که از او انتظار می‌رود آن‌ها را درست انجام دهد. اگر زنی شاغل باشد (اعم از شغل‌های سبک و سنگین) ممکن است این شغل‌ها با مسئولیت‌هایش تداخل پیدا کند، مثلاً نتواند وظیفه همسری یا مادری را به‌درستی انجام دهد و البته این موضوع بستگی به شغل هم دارد. برخی مشاغل سنگین‌تر هستند و وقت آن‌ها نامناسب است، برخی مشاغل نیز جزء مشاغل مدیریتی محسوب می‌شوند و بنابراین بسیار وقت‌گیر و استرس‌زا هستند.

وی ادامه می‌دهد: زنان شاغل باید بتوانند بین نقش‌های مختلف هماهنگی به‌وجود بیاورند تا هیچ‌کدام از بخش‌های زندگی آن‌ها دچار آسیب نشود. البته ممکن است گاهی یک بخش از زندگی آن‌ها دچار مشکلاتی شود اما این موضوع ممکن است حتی برای زنانی که فراغ بال بیشتری دارند نیز به‌وجود بیاید، بنابراین باید باندبیر و خویشتن‌داری درصدد رفع مشکلات برآیند. ضمن این‌که بسیاری از زنان شاغل، وظایف خود را به‌درستی انجام می‌دهند و در این گفتار صرفاً روی صحبت با آنان نیست. زنانی که مشاغل سنگین دارند و فرصت نمی‌کنند برای تربیت کودکان وقت بگذارند به‌نوعی به خود نیز آسیب می‌زنند، زیرا زمانی را که در کنار فرزندانشان نیستند فکر آن‌ها متوجه فرزند است و ممکن است کار خود را باکیفیت انجام ندهند و توییح و تحقیر از جانب محل کار متوجه آن‌ها شود.

این‌گونه زنان ممکن است از پس ایفای نقش همسری نیز به‌خوبی برنیایند و مجموع این شرایط منجر به استرس‌های فراوانی برای برخی از این بانوان می‌شود. من به‌عنوان یک روانشناس به افرادی که می‌خواهند وظیفه مادری را بپذیرند توصیه می‌کنم در وهله اول بهتر است شغل خود را سبک کنند یا در شغلشان مناصب خیلی سخت را قبول نکنند.

عضو هیئت‌مدیره انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران، می‌گوید: طبیعی است که مادر زمانی را که باید برای تربیت فرزند بگذارد، صرف محیط کار می‌کند. معمولاً در این‌گونه موارد، تربیت کودک توسط افراد دیگری به‌جز مادر انجام می‌شود، البته این موضوع با سن فرزند نیز ارتباط ویژه‌ای دارد، مثلاً اگر در سنی باشد که او را به مهدکودک یا پرستار بسپارند، تربیتی که مدنظر والدین است انجام نمی‌شود؛ اگر بچه‌ها بزرگ‌تر باشند نیز در هنگام عدم حضور والدین در منزل، از طریق تلفن و تلگرام و اجتماع و دوستان، تربیت‌هایی را دریافت می‌کنند که مدنظر پدر و مادر نیست. ضمن این‌که اگر برای فرزندان هم اتفاقی بیفتد احساس گناه پایدار و آزاردهنده‌ای همیشه همراه آن‌ها هست.

منبع: رسالت